

تطور «essentism» از آغاز تا اکنون

واژگان کلیدی

* جوهر

* عمیق‌گرایی

* مادرمائیک

* تشکیک موجودی

* نشانه‌سوزگی

آرش آذریک* hdaneshgah@yahoo.com

دانش آموخته کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

نیلوفر مسیح* niloufarmasih@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده:

جوهر یکی از مفاهیم بنیادین فلسفه است، که از تالس تا زمان اکنون دست‌خوش تطورات سیستماتیک شده است. در ابتدا فلاسفه به دنبال ماده‌المواد بنیادین هستی بودند و هر یک ماده‌ای را با مستندات به خصوص پیشنهاد می‌کردند. تا اینکه افلاطون با طرح ایده (مُثُل) و ارسطو با عنوان جوهر قائم به ذات این شاخه تفکری را تکوین بخشیدند. و از زمان ارسطو تا امروز جوهر به مثابه ذات هر پدیداری شناخته شده است. جوهر، جنس نخستین و بنیادین هر چیز است که برای بودن به هیچ چیز دیگری متکی و نیازمند نیست. در این نوشتار مفهوم جوهر از نظر فلاسفه پیشاسقراط، عقل‌گراها، تجربه‌گراها و اندیشه‌های معاصر بررسی شده است. و در نهایت تفاوت و تشابه آن‌ها را نسبت به هم بیان و در نتیجه به تعریف جوهر و خصوصیات آن از منظر تفکر فلسفی مکتب اصالت کلمه خواهیم پرداخت. که برمبنای عمیق‌گرایی (که هستی را در دو ساحت محدود ثابت و با حفظ و همراهی آن ساحت بی‌پایان متغییر تبیین کرده است) نه مطلق (ذات=غیرتاریخی‌گرایی) و نه نسبی (قرارداد=تاریخی‌انگاری) شکل گرفته است؛ که در تقابل با تعریف ارسطو که بنیان‌روایت جهان سنت و حتی بسیاری از نحله‌های مدرنیسم است، بر بنیان‌روایت عمیق‌گرایی نگرشی نوین را نسبت به مفهوم جوهر تبیین می‌کند.

The Evolution of "Essentism" from the Beginning to Now

Arash Azarpeik

MA in Persian Language & Literature

Niloofar Masih

MA student in Linguistics, Kermanshah Payâm-e-noor University, Iran
(Corresponding author)

Abstract

Essence is one of the fundamental concepts of philosophy, which has undergone the systematic developments since Thales until now. At first, philosophers were looking for the fundamental materials of existence and each one proposed a material with special documentation. Until Plato developed this branch of thinking with the Theory of Idea and Aristotle with the subject of the upright essence. From the time of Aristotle until today, essence has been known as the fundamental nature of every phenomenon. Essence is the first and fundamental type of everything that does not rely on anything else to exist. In this article, the concept of essence is expanded from the point of view of per_socratic philosophers, rationalists and empiricists and contemporary thoughts. Then, their differences and similarities in relation to each other have been expressed; finally, its essence and characteristics have been defined from the perspective of the philosophical thought in Orianism. It is based on deepism (which has explained the existence in two fixed limited areas and with the preservation and accompanying of that infinitely changing area) neither absolute (essence = ahistoricism) nor relative (convention = historicism); In contrast to Aristotle's definition, which is the basis of the narration of traditional world and even many schools of modernism. It also explains a new attitude towards the concept of essence based on the deepism.

Key words: Essence, Deepness, Creation of existence, Philosophy, Historicism.